

بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت‌های تفسیری مجمع البیان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

مهدی اکبرنژاد*

نجمیه گراوند**

مظفر علی دادی گراوند***

چکیده

تفسیر صحیح آیات کلام الله مجید، همواره و در طول تاریخ اسلام تا به حال، یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی محسوب بوده است. لازمه تفسیر صحیح نیز پابندی و تسلط بر علوم و قواعد مختص به آن است. علم قرائت قرآن کریم، یکی از این علوم و لازمه تفسیر به شمار می‌رود. بنابراین اختلاف قرائت‌ها می‌توانند نقش بسزایی بر تفسیر قرآن و برداشت‌های تفسیری مفسران داشته باشند.

از آن جایی که تفسیر مجمع البیان، منبعی غنی در بیان اختلاف قرائت‌ها و پیدایش تفاوت معنایی از همین ناحیه است؛ در این پژوهش سعی شده تا میزان تأثیرگذاری و چگونگی این تأثیرات در برداشت‌های تفسیری شیخ طبرسی مشخص شود. همچنین گونه‌های این برداشت‌ها بر پایه تفاوت‌های موجود در اختلاف قرائت‌ها مورد کنکاش قرار گرفته و دامنه اهتمام و توجه این مفسر گران‌قدر در دخالت دادن این تفاوت‌ها روشن گردد، و در نهایت به تبیین و جمع‌بندی مدل انتخابی ایشان در این باره پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

قرائت، اختلاف قرائات، تفسیر، طبرسی، مجمع البیان.

M_akbarnezhad@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

Na_geravand@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

Mozafaralidady@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه بیرجند

طرح مسئله

گرایش‌های مختلف مفسران در برداشت از قرآن و توجه به شیوه‌های مختلف تفسیری و اختلاف‌ها و اشتباهات آنان، همگی حاکی از آن است که هرکس بخواهد به تفسیر قرآن و فهم مراد خدای متعال از آن بپردازد، نیازمند آن است که قواعد متقنی را بر مبنای بدیهیات عقلی و قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی، برای برداشت از قرآن شناسایی کند؛ تا در مهلکه استحسان و برداشت بی ملاک از قرآن نیفتد و با تقلیل خطاها به مراد واقعی خدای متعال نزدیک‌تر شود و در پرتو تبیین دقیق این قواعد، هم تفاسیر موجود را محک زده و صحت و سقم برداشت‌های موجود در آن را بازشناسد و هم مبنای مناسبی برای تفسیر صحیح فراهم آورد.

این قواعد تفسیری عبارتند از: مجموعه‌ای از ضوابط کلی که برداشت صحیح از آیات قرآن بر آن استوار است و سامان‌یابی تفسیر صحیح، در گرو شناخت این امور و رعایت آن‌ها می‌باشد (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۴؛ مرادی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۴۷۲).

و از آن جایی که یکی از مهم‌ترین مبادی قواعد تفسیری، بحث اختلاف قرائت‌ها و شناخت قرائت واقعی قرآن کریم است (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۴)؛ بنابراین نقش اختلاف قرائت‌ها در برداشت‌های تفسیری مفسر، بسیار حائز اهمیت است.

همچنین توجه به قرائت قرآن کریم و کیفیت ادای آن، برای ارائه تفسیری صحیح از قرآن کریم، از آن جهت لازم و ضروری است که گاهی اوقات به واسطه قرائت‌های متعدد از یک آیه، برخی از وجوه و معانی احتمالی، بر برخی دیگر، ترجیح می‌یابند. گاهی اوقات نیز توسط همین اختلاف قرائت‌ها، معنی آیه، آشکار و واضح‌تر می‌گردد. بنابراین و به طور کلی؛ نقش اختلاف قرائت‌ها در تفسیر را می‌توان در "ارائه کردن بیش از یک معنی برای لفظ و یا آیه" خلاصه نمود (متولی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۱).

تفسیر مجمع‌البیان یکی از تفاسیر مهم جهان تشیع محسوب می‌شود. که اختلاف قرائت‌ها جزء بسیار مهم و جدانشدنی آن به شمار می‌روند و شیخ طبرسی نیز با زبانی گویا آن‌ها را بازگو نموده است؛ گاه قرائتی را رد و دیگری را تایید می‌نماید؛ و گاه نیز

تمام قرائت‌های وارده را بر طبق معیارهای قرائت صحیح از دیدگاه خود، مورد تأیید و پذیرش قرار می‌دهد.

علاوه بر این؛ قرائت‌ها، برخی اوقات به صورت آگاهانه و گاهی به صورت ناخودآگاه در برداشت‌های تفسیری وی تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که در نتیجه این تفاوت قرائت، معنا به کلی عوض شده و گاه عکس برداشت‌های دیگر معنا شده است.

پژوهش حاضر در صدد است که موضوعات متعدد تفسیری را که به نوعی متأثر از اختلاف قرائت در تفسیر مجمع البیان است را واکاوی کند؛ تا شیوه تأثیرپذیری این مفسر از قرائت و گونه‌های بهره‌وری وی از این تفاوت‌ها بر اساس تفاوت قرائت و مدلی که او در این باره بیش‌تر مورد استفاده قرار داده است، مشخص گردد.

۱. نحوه تأثیر اختلاف قرائت در تفسیر مجمع البیان

در این پژوهش؛ چگونگی و میزان تأثیر اختلاف قرائت‌ها در برداشت‌های تفسیری طبرسی، تحت قالب و الگویی مناسب ارائه گردیده است؛ بدین صورت که ایشان یا بین چند قرائت مختلف جمع نموده است و یا این‌که از بین قرائت‌های مختلف، یکی را ترجیح داده است. سپس سعی شده است که ضمن بیان شاهد مثال‌هایی برای هر مورد، معیار انتخاب و نحوه عملکرد شیخ طبرسی در مواجهه با هر قرائتی آشکار گردد.

۱-۱. تلاش طبرسی در جمع احکام برداشت شده از قرائت متعدد

همان‌گونه که در تعارض میان دو خبر، جمع میان آن‌ها و استفاده از اخبار مختلف و تا حد امکان کنار نگذاشتن احادیث متعارض به عنوان یک اصل فقه الحدیثی از سوی بسیاری از صاحب نظران پذیرفته شده است و با تعبیر «الجمع مهما ممکن اولی من الطرح»؛ یعنی تا زمانی که امکان جمع مدلول ادله‌ای که با یکدیگر مخالفند، وجود دارد، جمع آن‌ها بهتر از کنار نهادن یکی یا همه آن‌هاست (شاکر، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵).

این اصل در جمع بین احکام مختلف برداشت شده از قرائت متعدد در روش و سیره تفسیری امین الاسلام طبرسی کاملاً مشهود است و بر این اساس وی تلاش کرده

که تا حد امکان دو یا چند حکم مختلف را جمع نماید و بدین سان قرائت‌های مختلف را نیز حفظ کند.

معیارها و نحوه عملکرد شیخ طبرسی در جمع قرائت‌های مختلف را می‌توان بدین گونه ارائه کرد:

۱-۱-۱. استفاده از ظرفیت ادبی دو قرائت

برای اثبات این شیوه در تفسیر مجمع البیان می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد؛ از جمله این آیه: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو: «آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید. خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد (بقره: ۲۲۲).

در آیه فوق، واژه «يَطْهُرْنَ» به دو صورت قرائت شده است: حمزه، کسایی و شعبه، آن را با فتح طاء و هاء و همراه با تشدید قرائت کرده‌اند؛ به دلیل آن که مضارع «تَطْهَرُ» و به معنای اغتسل است که اصل آن «يَتَطَهَّرُونَ» بوده است که به دلیل وجود تجانس و هم‌مخرج بودن، تاء در طاء ادغام شده است. و بقیه قراء، آن را با سکون طاء و مضموم نمودن هاءِ مخففة قرائت نموده‌اند و آن را مضارع «طهر» دانسته‌اند (محیسن، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۹).

برخی نقش اختلاف قرائت در تفسیر آیه فوق را، به صورت جمع بین دو حکم مختلف بیان کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، حکم فقهی هر دو قرائت در آیه را، باهم جمع نموده‌اند (محیسن، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۹؛ سلامت، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۱۷۰؛ محیسن، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۰؛ زقروق، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۴).

برخی نیز تأثیر اختلاف قرائت در تفسیر آیه فوق را با عنوان بیان آنچه که در قرائت دیگر، مجمل است، دانسته‌اند (القطان، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۱؛ الصباغ، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۹)؛ به عبارت دیگر، یکی از قرائت‌ها را مجمل دانسته و قرائت دیگر را بیانی

برای آن قرائتِ مجمل دانسته‌اند و لذا در برداشت‌های تفسیری خود، نقش اختلاف قرائت را تبیین بیش‌تر قرائتِ مجمل یاد کرده‌اند.

طبرسی در خصوص معنای هر دو قرائت می‌گوید: «در قرائت کلمه «یطهرن» بعضی با تشدید و بعضی بدون آن خوانده‌اند، که معنایش در دو صورت فرق می‌کند؛ اگر بدون تشدید باشد، به معنای پاکی و تمام شدن خون است؛ نه غسل کردن. ولی اگر با تشدید خوانده شود، معنایش غسل کردن می‌باشد که مذهب ما و عقیده مجاهد و طاوس بر همین است» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۰۸).

ایشان اختلاف قرائت در آیه فوق را مربوط به آخرین مدت حرمت آمیزش در حال عادت ماهانه دانسته و در این باره نظرات دیگران را بیان می‌نماید بدین صورت که: «بعضی آخرین مدت حرمت آمیزش را قطع خون می‌دانند. آنان «یطهرن» را به صورت تخفیف خوانده‌اند. شافعی می‌گوید: بعد از قطع خون، شرط حلال بودن آمیزش، غسل کردن زن است. ابی حنیفه تفصیل داده است؛ به این صورت که اگر مدت حیض زن ده روز باشد؛ به مجرد تمام شدن خون، آمیزش حلال است. و اگر مدت آن کمتر از ده روز باشد؛ تا وقتی که زن غسل نکند یا تیمم ننماید یا وقت نمازی بر او نگذرد، آمیزش با او حلال نمی‌شود» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۰۹).

طبرسی در این بین، نظر عطا و طاووس را مبنی بر این که؛ در صورت خون، اگر وضو بگیرد و خود را بشوید آمیزش حلال است، را بیان کرده و برداشت خود را از اختلاف قرائت در این آیه به این صورت بیان می‌کند که مذهب ما (شیعه) نیز در این مورد با نظر عطا و طاووس هم عقیده است؛ اگر چه مستحب است که قبل از غسل، آمیزش نشود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۰۹).

با این بیان، مرحوم طبرسی، بین دو حکم فوق، جمع نموده‌است؛ به این صورت که آمیزش بعد از انقطاع خون، حلال است؛ گرچه حکم استحباب نیز در صورت غسل کردن جاری است؛ نه این که عدم غسل، سبب حرمت گردد. با توجه به آنچه گفته شد؛ شیخ طبرسی با توجه به ظرفیت ادبی هر دو قرائت در ارائه معنای تفسیری آیه، برداشت خود از آیه را بیان نموده است.

۱-۲. توجه به سیاق و فحوی الخطاب آیه

«فحوی الخطاب»، مفهوم موافق یا منطوق آیه است؛ گرچه مفهوم آن نسبت به منطوق آیه در اولویت است (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۶). جمع بین دو حکم مختلف و دو قرائت متفاوت توسط شیخ طبرسی، گاهی با توجه به معیار سیاق و فحوی الخطاب صورت پذیرفته است.

به عنوان نمونه شیخ طبرسی، در تفسیر آیه ۲۵ سوره نمل، با توجه به اختلاف قرائت موجود در آیه، بین قرائت‌ها جمع نموده است که معیار جمع کردن وی، استفاده از سیاق و نیز فحوی الخطاب بوده است؛ «وَجَدْتُهُا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ * أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يَخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ»؛ او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا، برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. آری، شیطان چنین کرده بود؛ تا برای خدایی که نهان را در آسمان‌ها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نماید می‌داند، سجده نکنند (نمل: ۲۴ و ۲۵).

ابو جعفر، کسایی و یعقوب به تخفیف لام در «أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ» و دیگران به تشدید خوانده‌اند. گفته شده که رويس نیز آن را به تخفیف خوانده است. قرائت با تخفیف لام، حکم وجوب سجده را اقتضاء می‌کند؛ به دلیل این‌که فعل امر است و امر بر وجوب دلالت دارد. اما قرائت با تشدید لام، فقط از ذم و نکوهش تارکِ سجود، بدون واجب نمودن سجده دلالت دارد (زقروق، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۷؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۸، صص ۹۵-۱۰۰).

فراء می‌گوید: قرائت تشدید، موجب وجوب سجده قرائت نمی‌شود. اما طبرسی در توجیه جمع بین دو قرائت، می‌گوید: لکن سخن فراء درست نیست؛ زیرا کلام متضمن مذمت بر ترک سجود است و بنا بر این دلالت بر وجوب سجده دارد. نظیر: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ»؛ هنگامی که به آن‌ها گفته می‌شود که

برای رحمان سجده کنید، گویند: چیست رحمان؟ (فرقان: ۶۰) (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۸، ص ۱۰۰).

به عبارت دیگر، امین الاسلام طبرسی، هم وجوب سجده را بنا بر قرائت به تخفیف از آیه استنباط کرده و هم وجود نکوهش و مذمت برای تارکان سجده؛ بنا بر قرائت با تشدید. با دقت در تفسیری که از سوی طبرسی ارائه گردیده است، به وضوح مشاهده می‌شود که ایشان بر طبق مفهوم موافق با منطوق آیه و فحوی الخطاب آن، بین دو قرائت جمع نموده است.

۲-۱. ترجیح یک قرائت یا حکم بر سایر قرائت

گاهی اوقات با اختلاف قرائت‌ها، اختلاف در احکام پیدا می‌شود. لذا ضروری است که برای ترجیح یک قرائت بر دیگری، از الگوها و معیارهای مناسب و معتبر استفاده شود. شیخ طبرسی نیز از معیارهای زیر در جهت ترجیح یک قرائت و حکم بر سایر احکام و قرائت‌ها بهره برده است.

۱-۲-۱. در نظر گرفتن معیار روایی

یکی از معیارهایی که در تفسیر قرآن باید در صورت لزوم به آن توجه گردد، روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌باشد. معیار روایی، علاوه بر تفسیر، در ترجیح قرائت‌ها نیز کاربرد خاصی دارد. شیخ طبرسی در مجمع البیان، هم برای تفسیر و هم برای ترجیح قرائت‌ها، از روایات بهره برده است.

الف) فقها، باطل شدن یا نشدن وضوی کسی که زنان را لمس کرده باشد، بر مبنای اختلاف در قرائت (لمستم) و (لامستّم) قرار داده‌اند (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۶۹). شیخ طبرسی نیز در تفسیری که از این آیه داشته است، ابتدا بحث اختلاف قرائت در آیه را مورد بحث قرار داده و سپس برداشت خود را از آیه، با توجه به قرائت حفص از عاصم برگزیده است، و معنای مخصوص به قرائت لامستم را بر سایر قرائت‌ها ترجیح می‌دهد و آن را برمی‌گزیند.

شیخ طبرسی، روایتی از امام علی (ع) را دلیل بر ترجیح قرائت خود عنوان می‌کند. خدای تعالی در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى

حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا غَفُورًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید؛ تا زمانی که بدانید چه می‌گویید. و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] - مگر این‌که راه‌گذر باشید - تا غسل کنید و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید، و صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است (نساء: ۴۳).

آیت الله معرفت در این خصوص می‌فرماید: حمزه و کسایبی، «او لمستم» قرائت کرده و بقیه قراء «أَوْ لَامَسْتُم» (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۷). شیخ طبرسی نیز می‌نویسد: «اهل کوفه؛ به جز عاصم در این جا و در سوره مائده «لمستم» و دیگران آن را با الف قرائت کرده‌اند» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۵۸).

«لامستُم» از باب مفاعله و کنایه از جماع است؛ اما «لمستم» به معنای مطلق لمس کردن است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۹؛ العک، ۱۴۰۶ق، ص ۸۶؛ زغلول، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۰).

بنابراین، در این جا صحبت از دو حکم در میان است؛ یکی این‌که در حال جنابت به نماز نزدیک نشدن و دیگری در حالی که با همسران لمس داشتن. برداشت طبرسی در این جا، جمع بین دو حکم و یا دو قرائت مختلف نیست؛ بلکه ایشان به طور صریح، یکی از دو حکم؛ یعنی حکم جماع را برمی‌گزینند. و طبق برداشت ایشان؛ در صورت جماع یا جنابت است که نماز گزاردن نیاز به غسل و یا تیمم بدل از غسل دارد.

در تفسیر مجمع البیان آمده است: منظور از «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ»، جماع است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۶۲). سپس شیخ طبرسی، گفته خود را به روایاتی از ائمه معصومین (ع) و منقولاتی از صحابه مستند می‌داند که برخی از این روایات عبارتند از:

۱- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» فَقَالَ: هُوَ

الْجَمَاعَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَتِيرٌ يُجِبُّ السِّرَّ فَلَمْ يُسَمَّ كَمَا تُسْمُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۵۵).

۲- عمّار ساباطی از امام صادق (ع) روایت کرده و می‌گوید: از آن حضرت سؤال کردم در مورد قول خداوند عزّ و جلّ که فرموده است: «وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً؟» فرمود: «یعنی و اگر ناخوش و یا در سفر باشید یا کسی از شما از مستراح که رفع حاجت کرده باشد، آمده یا با زنان خود مباشرت کرده باشید و آبی نیابید که بدان غسل یا وضو به جا آرید» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۶).

شیخ طبرسی سپس می‌فرماید: «و برخی گفته‌اند: منظور لمس با دست یا غیر دست است؛ چنان که از عمر بن خطاب، ابن مسعود، شعبی، عطا و شافعی است. و صحیح، معنای اول است؛ زیرا خداوند حکم جنب را در حال وجود آب به وسیله «وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا» بیان کرده است، سپس حکم جنب را در حال نبودن آب بیان می‌کند. با این‌که حتی حکم کسی که قضای حاجت کرده است، در صورت نبودن آب بیان می‌دارد. بنا بر این چگونه ممکن است از بیان حکم جنب در صورت نبودن آب، صرف نظر کند و آیه در صدد حکم شخص محدث است و باید همه اقسام آن را بیان دارد. بدین ترتیب منظور از «لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» جماع است» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۶۲).

نقش راهنمایی‌ها و ارشادات ائمه اطهار (ع) در زمینه شناخت قرائت صحیح نیز بسیار راهگشا و مفید است؛ به همین دلیل مرحوم طبرسی در تفسیر خود، از این روایات بهره جسته و استفاده از آن‌ها را ملاکی برای تعیین قرائت صحیح از نادرست دانسته است؛ همان‌طوری که در ذیل آیه ۱۱۲ سوره مائده توضیحاتی در این خصوص بیان می‌نماید.

ب) به عنوان نمونه و مثال دوم در این بحث می‌توان به آیه شریفه ذیل استناد کرد که خداوند می‌فرماید: «إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ؛ به یاد آر زمانی که خواریین

عیسی به وی گفتند: ای عیسی بن مریم؛ آیا پروردگار تو توانایی دارد مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟ گفت: بپرهیزید از خدا اگر دارنده ایمانید (مائده: ۱۱۲).

کسایی در «هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ»، فعل را به تاء و «ربک» را منصوب و دیگران فعل را به یاء و «ربک» را مرفوع خوانده‌اند (شافعی الحفیان، ۱۴۲۳ق، ص ۳۱۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۳۲).

طبرسی می‌نویسد: «وجه قرائت اول این است که مقصود «هل تستطيع سؤال ربک» است؛ یعنی آیا قدرت داری که از پروردگار خود سؤال کنی؟ البته درباره قدرت او شک نداشتند. می‌خواستند بگویند: تو که می‌توانی، چرا سؤال نمی‌کنی؟! طبق این قرائت «ان ينزل» متعلق است به مصدری محذوف. یعنی «هل تستطيع ان تسال ربک انزال مائده» آیا می‌توانی نازل شدن مائده را از خدا بخواهی؟» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۳۲).

ایشان پس از توضیحاتی درباره قرائت‌های متفاوت از آیه مورد نظر، در تأیید گفتار خویش و تأیید قرائت‌ها به سخنانی از امام صادق (ع) استناد می‌نماید آن جایی که می‌گوید: «از امام صادق (ع) روایت شده است که «... هل تستطيع ان تدعو ربک» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۳۲).

ذکر این روایت در تفسیر مجمع البیان و دیگر منابع حدیثی (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۵۰)؛ بیانگر این نکته است که امام صادق (ع) نیز، فعل را با تاء و «ربک» را منصوب قرائت کرده‌اند. و مرحوم طبرسی این روایت را دلیلی بر صحت قرائت مذکور معرفی می‌نماید و برداشت تفسیری خود را از آیه با توجه به اختلاف قرائت و نیز روایات برگزیده است.

۱-۲-۲. معیار رفع ابهام و تفسیری بودن قرائت

صحابه فداکار رسول اکرم (ص) هرگز اجازه نمی‌دادند تفسیرهایی که از پیغمبر اکرم (ص) در تبیین آیات قرآن شنیده بودند، به فراموشی سپرده شود و در حفظ بیانات رسول خدا (ص) به مثابه کلام خدا، تلاش داشتند. پاره‌ای از این تلاش‌های خالصانه، این‌گونه ظهور پیدا کرد که تفاسیر نیز در کنار آیات مربوطه درج گردد و این امر در

گذر زمان از یک سو موجب توهم تحریف در قرآن و از سوی دیگر موجب بروز اختلاف در قرائت قرآن گردید (کلانتری، بی تا، ش ۱۷، ص ۱۱۳).

اختلاف قرائت در آیات، گرچه گاهی اوقات سبب تغییر دادن معنای کلام و ایجاد اختلاف در فهم و برداشت از قرآن شده است؛ اما در بسیاری موارد نیز قرائت‌های گوناگونی که از یک آیه شده است، سبب روشن‌گری و تبیین و توضیح آیه گشته است. تا آن جایی که به جرأت می‌توان ادعا نمود که یکی از مهم‌ترین فوائد اختلاف قرائت‌ها، تفسیر، کشف و پرده‌برداری از معنای آیه مورد نظر است.

ابن جزری از اساتید به نام و مشهور علم قرائت، در این باره می‌گوید: «از بزرگ‌ترین براهین و آشکارترین دلایل، این است که با وجود اختلاف و تنوع بسیار در قرائت‌ها، هیچ‌گونه تضاد، تناقض و مخالفتی در آن‌ها وجود ندارد؛ بلکه به طور کلی، برخی از آن‌ها تصدیق‌کننده و بیان‌کننده برخی دیگرند و بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر شهادت می‌دهند» (زقروق، ۱۴۲۳ق، ص ۳۳۳).

مرحوم طبرسی در برداشت‌های تفسیری خود، کمال عنایت و توجه را به این اضافات تفسیری داشته است و در موارد متعدد، بر طبق این قرائت‌ها، به تفسیر آیات قرآن اقدام نموده است که در ذیل مثال‌های آن بحث می‌شود:

الف) به عنوان مثال خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَجَلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید. [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که مُتعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید] مسلماً خداوند دانای حکیم است (نساء: ۲۴).

با توجه به منابع گوناگون، در این آیه اختلاف قرائت وجود دارد. ابی ابن کعب، ابن عباس و ابن مسعود «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ - اِلَى اجْلِ مَسْمَى - فَأَتُوهُنَّ» را با افزودن «الی اجل مسمی» قرائت کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص ۳۳۷؛ شاهین، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴).

افزودن «الی اجل مسمی» که از آیه نیست، تفسیری برای آیه است که تصریح دارد چنین عقد و نکاحی، موقت و تا زمان معین است.

طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «ابن عباس، سدی، ابن سعید و گروهی از تابعان و اصحاب امامیه گویند: منظور عقد منقطع است. این مطلب واضح است؛ زیرا استمتاع و تمتع، اگر چه در اصل به معنای انتفاع و کسب لذت است؛ ولی در عرف شرع، به چنین عقدی اختصاص دارد به خصوص هنگامی که اضافه به «زنان» شود. بنا بر این معنای جمله این است: «هر گاه آن‌ها را به عقد متعه درآوردید، اجرتشان را بپردازید». شاهد این است که وجوب ادای مهر، به خود استمتاع، تعلق یافته است و مقتضای آن این است که خود عقد متعه، موجب مهر می‌شود؛ نه آمیزش و کسب لذت جنسی» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۰۲).

سپس مرحوم طبرسی قرائت ابی بن کعب، ابن عباس و ابن مسعود را نقل نموده و با ذکر روایاتی چند، در این زمینه می‌کوشد که صحت این قرائت را اثبات نماید و سپس بیان می‌دارد که این قرائت، صراحت در عقد متعه دارد. با توجه به آنچه گفته شد، اختلاف قرائتی که در این آیه وجود دارد، در برداشت تفسیری طبرسی تاثیرگذار بوده، و ایشان از قرائت ابن مسعود، در جهت توضیح و تفسیر معنای آیه استفاده نموده است.

ب) از جمله اختلاف قرائت‌هایی که شیخ طبرسی، آن را تفسیری برای سایر قرائت‌ها دانسته است؛ مربوط به آیه اول سوره مبارکه طلاق است. این آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»؛ ای

پیامبر، چون زنان را طلاق گویند، در [زمان بندی] عدّه آنان طلاقشان گویند و حساب آن عدّه را نگه دارید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید، و بیرون نروند؛ مگر آن‌که مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی. و هر کس از مقرّرات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد (طلاق: ۱).

از ابن عبّاس، ابی بن کعب، جابر بن عبد الله، علی بن الحسین، زید بن علی و جعفر بن محمد (ع)، قرائت آیه فوق به صورت «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» روایت شده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۸۵).

شیخ طبرسی و شیخ طوسی در معنای عبارت «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» می‌گویند: معنا این است که زن را موقعی طلاق دهد که پاک باشد و با او نزدیکی نکرده و نیز واجد دیگر شرایط باشد؛ یعنی طلاق باید در حالتی باشد که زن بتواند عدّه نگه دارد. بنابراین معنای «لِعِدَّتِهِنَّ» یعنی «لِقَبْلِ عِدَّتِهِنَّ» است که به همین شکل هم در قرآن قرائت شده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۹).

سپس هر دو به این مورد تصریح می‌کنند که: قرائت «فی قبل عدتتهن» توضیح و تفسیر قرائت مشهور است. به عبارت دیگر، آنان «فی قبل عدتتهن» را قرائتی می‌دانند که تفسیر کننده قرائت مشهور است. و «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» یعنی در موقع عدّه آن‌ها و مانند آن است قول خدا: «لَا يُجَلِّیْهَا لَوْفَتِهَا» (اعراف: ۱۸۷)؛ یعنی در موقع وقت آن (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۴؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۶). سپس طبرسی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» یعنی: پس آن‌ها را برای زمان عدّه (که آن مدت سه طهر است)، طلاق بگوئید. و زمان عدّه، آن است که در طهر و پاکی که با او آمیزش نکرده، طلاق گوید. این قول از ابن عبّاس، ابن مسعود، حسن، مجاهد، ابن سیرین، قتاده، ضحاک و سدی نیز هست. پس این طلاق عدّه است؛ زیرا این پاکی، از عدّه محسوب می‌شود و بعد از عدّه طلاق حاصل می‌گردد. پس مقصود این است: آن‌ها را طلاق دهید برای پاکی که از عدّه حساب می‌کنند. و طلاقشان ندهید برای حیضشان که از طهرشان و عدّه‌شان حساب نمی‌کنند. پس بنا بر این بر

مبنای اصحاب ما عده طهر است و مذهب شافعی هم همین است» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۸۶).

ج) نمونه دیگری از اختلاف قرائت‌ها که در جهت توضیح و تفسیر و تبیین معنای آیه به شیخ طبرسی کمک نموده است، آیه زیر است. خدای تعالی در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید [خوب] رسیدگی کنید. و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند، مگویید: تو مؤمن نیستی. [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجویید؛ چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست. قبلاً خودتان [نیز] همین گونه بودید، و خدا بر شما منت نهاد. پس خوب رسیدگی کنید، که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (نساء: ۹۴).

اهل کوفه، به جز عاصم در هر دو مورد «فتبتوا» و دیگران «فتبینوا» خوانده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۳۰۵). برخی مفسرین همچون ابن انباری، قرائت دوم را با قرائت اولی تفسیر نموده است؛ پس هر دو را تقریباً به یک معنی در نظر گرفته است؛ به این صورت که یکی از دو مترادف‌ها، آشکارتر از دیگری است، پس شرح دهنده و تفسیر کننده آن است (زقروق، ۱۴۲۳ق، ص ۳۳۳).

در تفسیر مجمع البیان از ابوعلی فارسی نقل شده است که: وجه قرائت اول این است که تثب بر خلاف اقدام، و به معنای تأنی و ملایمت است که مناسب این مورد می‌باشد. وجه قرائت دوم این است که تبیین گاهی از تثبیت، محکم‌تر است. چنان که وارد شده: «التبيين من الله و العجلة من الشيطان»؛ یعنی دقت در کارها از جانب خداوند و عجله از جانب شیطان است. در این جمله، تبیین و عجله در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و این خود دلیل این است که تبیین و تثبیت، به یکدیگر نزدیک هستند. شاعر این کلمه را به معنای توقف و زجر به کار برده است:

ازید مناه توعدا یا بن تیم تبیین این تاه بک الوعید

یعنی: ای پسر تیم، آیا زید منات را بیم می‌دهی، توقف کن و بین که بیم دادن در کجا تو را گمراه کرده است؟ (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۳۰۵).

شیخ طبرسی سپس در تفسیر خود، از این قرائت به عنوان تفسیر و پرده‌برداری از معنای آیه استفاده می‌نماید و می‌نویسد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا»؛ یعنی ای مردم مؤمن، هنگامی که در راه خدا به سفر جنگی و ماموریت‌های دفاعی می‌روید، میان کافر و مؤمن تمیز بدهید و فرق بگذارید، توقف کنید و صبر کنید تا اشخاص مستحق قتل را بشناسید و بی جهت خون مردم را نریزید. معنای «تبینوا» و «تثبتوا» به یکدیگر نزدیکند. و مقصود این است که در کار قتل، کسی که به شما سلام می‌دهد و اظهار مسلمانی می‌کند، به گمان این‌که دروغ گوید و اظهارش از روی حقیقت نیست، عجله نکنید (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، صص ۳۰۷ و ۳۰۸).

به عبارت دیگر، گرچه معنای هر دو قرائت را نزدیک به هم می‌داند؛ اما از آن جایی که قرائت «فتثبتوا» بیان‌کننده و آشکارکننده معنای «فتبینوا» است، شیخ طبرسی در هنگام تفسیر این آیه، معنای «فتثبتوا» را در ذیل آیه در مجمع البیان ذکر می‌نماید.

۱-۲-۳. بهره‌گیری از قواعد ادبیات عرب

فهم هر کلام عربی و از جمله قرآن کریم باید براساس قواعد ادبیات عرب صورت گیرد؛ ولی در خصوص قرآن کریم که الفاظ، عبارات و قرائت آن نیز وحیانی است، قاعده و اصل اولیه دست یافتن به آن قرائت و مبنا قرار دادن آن در تفسیر است. از طرف دیگر تطابق آیات قرآن کریم با قواعد مسلم ادبیات عرب نیز یکی از راه‌های تشخیص قرائت رسول اکرم (ص) می‌باشد.

بر این اساس آگاهی و تسلط بر قواعد ادبیات عرب، هم مفسر را در تشخیص قرائت واقعی و صحیح کمک می‌کند، و هم به تبع تشخیص قرائت صحیح، باعث می‌شود که از آیات قرآن کریم، فهم و برداشت و تفسیر درستی ارائه گردد (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳).

در این زمینه نیز می‌توان به مثال‌های متعددی اشاره کرد. به عنوان مثال خدای تعالی می‌فرماید: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَتَّخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا

الْوَثَاقَ فَاِِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَ اِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ اَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِيْنَ قَتَلُوْا فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَنْ يُضِلَّ اَعْمَالَهُمْ».

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید، گردن‌ها [یشان] را بزنید. تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید، پس [اسیران را] استوار در بند کشید. سپس [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید]، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود. این است [دستور خدا] و اگر خدا می‌خواست، از ایشان انتقام می‌کشید؛ ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (محمد: ۴).

أهل بصره و حفص، «و الَّذِيْنَ قَتَلُوْا» را به صورت ماضی مجهول خوانده‌اند؛ اما بقیه قراء آن را به صورت قاتلوا با الف، از باب مفاعله خوانده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۳، ص ۳۷). در منابع دیگر، یعقوب را نیز جزء کسانی می‌داند که آن را به صورت ماضی مجهول قرائت کرده‌اند (الباز، ۱۴۲۵ق، ص ۴۰).

بین این دو واژه، فرق زیادی است. به خاطر این که «قَتَلُوْا»، فقط شامل کسانی می‌شود که به شهادت رسیده‌اند؛ ولی «قاتلوا» شامل تمام کسانی است که در جنگ مشارکت کرده‌اند (الباز، ۱۴۲۵ق، ص ۴۰).

شیخ طبرسی نیز با استفاده از آگاهی و تسلط بر قواعد ادبیات عرب و علم اشتقاق توضیح می‌دهد که: «قاتلوا» از «قتلوا» عمومیت بیش‌تری دارد؛ زیرا کسانی که جنگیده‌اند و کشته نشده‌اند، آنان هم اعمالشان از بین نمی‌رود؛ همان‌گونه که آن کس که در راه خدا کشته شده است، عملش از بین نخواهد رفت. بنا بر این «قاتلوا» به خاطر عمومیت بیش‌تری که دارد، بهتر از «قتلوا» خواهد بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۳، ص ۳۸).

شیخ طبرسی از اختلاف قرائتی که به سبب اشتقاق لغات، در آیه فوق به وجود آمده است، در جهت گسترش در لفظ و معنای آیه استفاده نموده و برداشتی عام‌تر و گسترده‌تر از آنچه که در قرائت حفص از عاصم آمده است را بیان می‌دارد. لذا می‌نویسد: کسانی که قاتلوا قرائت کرده‌اند، معنایش آن است: آن‌ها که جهاد کردند؛ چه آن‌که شهید شده باشند یا نه. سپس در تأیید این دیدگاه نظر قتاده را بازگو می‌نماید. به

این صورت که: «از قتاده نقل شده است، یعنی آن‌ها در راه خدا در جهاد روز احد می‌جنگیدند» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۳، ص ۴۶).

به عبارت دیگر شیخ طبرسی با استفاده از قواعد ادبیات عرب، از بین دو قرائت متفاوت، فقط یکی را برمی‌گزیند و آن را بر قرائت دیگر ترجیح می‌دهد.

نتیجه‌گیری

چگونگی تأثیراتی که اختلاف قرائت‌ها بر تفسیر مجمع البیان شیخ الاسلام طبرسی داشته است را می‌توان در دو طبقه خلاصه نمود:

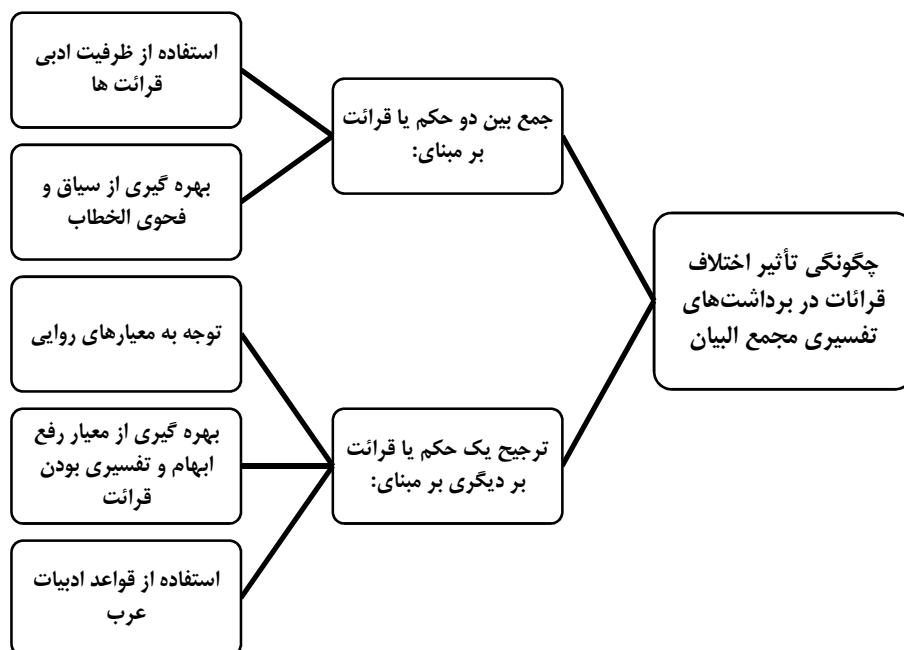
۱- ایشان گاهی اوقات بین دو قرائت مختلف که سبب ایجاد دو یا چند حکم متفاوت گردیده است، جمع نموده است.

۲- در پاره‌ای موارد نیز وی از بین دو حکم مختلف که به دلیل اختلاف قرائت، به وجود آمده است؛ با صراحت، یکی از آن دو را برگزیده و آن را بر دیگری ترجیح داده است.

۳- ملاک‌های طبرسی برای جمع بین دو قرائت عبارتند از: توجه به ظرفیت ادبی قرائت‌ها و نیز توجه به سیاق و فحوی الخطاب و مفهوم قرائت‌ها.

۴- در عین حال معیارهای دیگری باعث گردیده که طبرسی بین دو قرائت، تنها یک مورد را انتخاب کرده و آن را بر دیگری ترجیح دهد که عبارتند از: استفاده از معیار راوی، رفع ابهام و تفسیری بودن قرائت‌ها و نیز استفاده از قواعد ادبیات عرب.

بنابراین عملکرد شیخ الاسلام طبرسی نسبت به جمع بین قرائت‌ها و یا ترجیح یکی از آن‌ها، بر طبق مدل و الگوی انتخابی از سوی ایشان منحصر به فرد می‌باشد و می‌توان آن را به صورت زیر نمایش داد:



نمودار ۱: گونه‌شناسی مواجهه طبرسی با اختلاف قرائت

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۷)، من لا یحضره الفقیه، تهران: نشر صدوق، چاپ اول.
- الباز، محمد بن عباس، (۱۴۲۵ق)، مباحث فی علم القراءات، القاهرة: دار الکلمه، چاپ اول.
- رجبی، محمود، (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۲)، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
- زغلول، محمد حمد، (۱۴۲۵ق)، التفسیر بالرأی، دمشق: مکتبه فارابی، چاپ دوم.
- زقروق، محمود حمدی، (۱۴۲۳ق)، الموسوعة القرآنیة المتخصصة، القاهرة: وزارة الاوقاف.
- سلامت، محمد علی، (۲۰۰۲م)، منهج الفرقان فی علوم القرآن، القاهرة: دار نهضة مصر، چاپ اول.

سیوطی، جلال الدین، (۱۳۸۰)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.

همو، (بی تا)، *معتبرک الاقران فی اعجاز القرآن*، بیروت: دارالفکر العربی. شافعی الحفیان، احمد محمود عبدالسمیع، (۱۴۲۳ق)، *الاجابات الواضحات لسؤالات القراءات*، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

شاکر، محمدکاظم، (۱۳۷۶)، *روش‌های تأویل قرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول. شاهین، عبدالصبور، (۱۳۸۲)، *تاریخ قرآن*، ترجمه حسین سیدی، مشهد: به نشر، چاپ اول. الصباغ، محمد بن لطفی، (۱۴۱۰ق)، *لمحات فی علوم القرآن و اتجاهات التفسیر*، بیروت: المکتب الاسلامی، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، گروه مترجمان، به تحقیق محمد رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. العکّ، خالد بن عبد الرحمن، (۱۴۰۶ق)، *اصول التفسیر و قواعد*، بیروت: دار النفائس، چاپ دوم.

عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، چاپ اول.

فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.

القطان، مناع، (۱۴۲۱ق)، *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ سوم. کلانتری، ابراهیم، (بی تا)، *عوامل اختلاف قرائات قرآن کریم*، مجله بینات، سال پنجم، ش ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم. متولی، عبد الحمید محمود، (۱۴۲۰ق)، *أصواء علی مناهج بعض المفسرین من زوایا علوم القرآن*، بیروت: اسلامیه.

محیسن، محمد سالم، (۱۴۱۳ق)، *المغنی فی توجیه القراءات العشر*، بیروت: دارالجیل، چاپ دوم.

همو، (۱۴۱۷ق)، *الهادی شرح طیبیه النشر فی القراءات العشر*، بیروت: دارالجیل، چاپ اول.

مرادی، محمد، (۱۳۸۲)، *امام علی (ع) و قرآن*، تهران: هستی نما، چاپ اول.

١٢٤ دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره اول، پاییز و زمستان ١٣٩٢، پیاپی ١٣

معرفت، محمد هادی، (١٤١٥ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.

همو، (١٣٧٩)، التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول.